

نقد

و

نظر

شامل:

- معرفی و نقد کتاب
- نقد نقد
- ترجمه (از عربی به فارسی)
- گزارش
- گفت و گو و...



کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۸، صص. ۱۴۵-۱۴۶
(نقد و نظر)

معرفی کتاب

الدراست الأدبية المقارنة في العالم العربي، تأليف: علي عشري زايد، الطبعة الثانية، كلية دار العلوم: جامعة القاهرة ۱۴۲۰-
۱۹۹۹، ۱۲۹ صفحه.



این اثر، یکی از پژوهش‌های ممتاز، اما گمنام درباره تحولات تاریخی -
نقدی ادبیات تطبیقی در جهان عرب است. نویسنده این کتاب که از
استادان برجسته و مشهور دانشکده دارالعلوم دانشگاه قاهره است، آثار
فراوانی در حوزه نقد و ادبیات نگاشته است.

این پژوهش در دو فصل تدوین شده است: فصل اول به معرفی
پژوهش‌های آغازین ادبیات تطبیقی در جهان عرب اختصاص دارد که
مؤلف، بیشتر آن‌ها را نیز «غیر روشمند» و «شتاب‌زده» می‌داند. آثار

پژوهشگران و پیشگامانی همچون: روحی الخالدی، سلیمان البستانی، قسطنطین الحمصی، فخری ابو
السعود، نجیب العقیقی، عبدالرزاق حمیده و ابراهیم سلامه.

فصل دوم اثر در دو بخش است: بخش نخست به معرفی «پژوهش‌های روشمند و مدرن» ادبیات
تطبیقی در جهان عرب اختصاص دارد. مؤلف در این فصل، ضمن معرفی دو مکتب فرانسه و
آمریکایی، به بیان نقدهای وارده بر این دو مکتب - که بیشتر در آثار دیگر معاصران وی نیز ملاحظه
می‌شود - پرداخته است.

در حوزه مکتب فرانسه، به تلاش‌های محمد غنیمی هلال و معرفی کتاب *الأدب المقارن* ایشان اشاره
می‌کند و در تبیین مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی به معرفی آثاری همچون؛ *دراسات في الأدب المقارن*
(عطیه عامر)، *الأب المقارن: النظرية والتطبيق* (احمد درویش)، *مدارس الأدب المقارن* (سعید علوش) و *الأدب
المقارن: (أصوله، تطوره ومناهجه)* (احمد طاهر مکی) و... می‌پردازد.

مؤلف در ادامه این مباحث به ابزارها و شرایط علمی‌ای که پژوهشگران ادبیات تطبیقی بدان نیاز
دارند؛ از جمله آگاهی از تحولات نظری و تاریخی این رشته و... نیز اشاره می‌کند. این رویکرد مؤلف،
پژوهش وی را از آثار بسیاری از معاصران، متمایز می‌کند؛ چراکه جدی‌ترین چالش در ادبیات تطبیقی

جهان اسلام، نبود روش پژوهش و بی‌توجهی به مباحث نظری این حوزه است. بخش دوم کتاب نیز به موضوع نمونه‌های عملی در سه حوزه ادبیات تطبیقی اختصاص دارد: پژوهش‌های تطبیقی در حوزه ادبیات کشورهای اسلامی، پژوهش تطبیقی عربی - غربی و پژوهش‌های عربی، شرقی و غربی. مؤلف در هر سه بُعد به معرفی و نقد مختصر برخی نمونه‌های برجسته نیز پرداخته است.

به هر حال، ویژگی‌های برجسته این اثر را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱. واکاوی سیر تحولات تاریخی ادبیات تطبیقی در جهان عرب؛
۲. نقد ایجاز‌گونه پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه؛
۳. پرداختن به مباحث نظری و جریان‌های فکری دانش ادبیات تطبیقی؛
۴. اهتمام و تأکید بر پژوهش‌های روشمند و نوین.

تورج زینی‌وند*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران



کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۸، صص. ۱۴۷-۱۵۳
(نقد و نظر)

اشارتی گذرا به تأثیر مضامین قرآن کریم در شعر حافظ

ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد

لطائف حکمی با نکات قرآنی

«از استاد حافظ، میر سید شریف جرجانی (م ۸۱۶ هـ) نقل شده است که می‌گفت: شعر حافظ همه

الهامات و حدیث قدسی و لطائف حکمی و نکات قرآنی است.» (علوی مقدم، ۱۳۸۹: ۶۳)

حافظ رمز موقّیت خود را در تأثیرپذیری از قرآن می‌داند:

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

(حافظ، ۱۳۶۸: ۴۳۱)

در بیت زیر نیز اشاره به آشنایی خود با چهارده روایت مختلف از قرآن کریم دارد:

عشقت رسد به فریاد، ار خود به سانِ حافظ قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت

(همان: ۱۳۱)

در بیت زیر مدّعی است که اشعارش تفسیر قرآن است و خواننده را از شرح و توضیح آیات قرآن بی‌نیاز می‌کند:

چو من ماهی کلک آرم به تحریر تو از نون و القلم می‌پرس تفسیر

(همان، ۱۳۸۸: ۳۸۳)

در این بیت هم به صراحت به حافظ قرآن بودن خود اشاره دارد:

ندیدم خوش‌تر از شعر تو حافظ به قرآنی که اندر سینه داری

(همان، ۱۳۶۸: ۶۰۸)

حافظ در این بیت به روشنی از انس خود با قرآن کریم یاد می‌کند:

حافظا در کنج فقر و خلوت شب‌های تار تا بود وردت دعا و درس قرآن، غم مخور

(همان: ۳۴۵)

چهارده بار تکرار واژه قرآن در دیوان حافظ گواهی بر تأثیرپذیری وی از قرآن کریم بوده است؛ در شعر حافظ عبارات قرآنی به وفور دیده می‌شود. منظور از عبارات قرآنی بخشی از یک آیه است که معنایی مستقل دارد. مثل ﴿يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (طلاق/ ۳) و ﴿جَنَّتِ تَجْرِي مَحْتَهَا الْأَنْهَارُ﴾ (توبه/ ۱۰۰)، این عبارات‌های قرآنی گاه بدون دخل و تصرف در وزن و قافیه ابیات خوش نشستند؛ مانند ﴿مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ (انبیاء/ ۳۰) و گاه بنا به ضرورت شعری اندک تغییری در آن‌ها صورت گرفته است مثل «سَلَامٌ فِيهِ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» که به جای «هی»، «فیه» آمده است.

افزون بر این ده‌ها تعبیر، اصطلاح و واژه قرآنی در شعر حافظ دیده می‌شود؛ از جمله «إن یکاد»؛ «صبغة الله»، «جنة المأوی»، «شیطان رجیم»؛ گاه نیز بنا به ضرورت وزن شعر کلمات مختلف قرآنی را با هم ترکیب کرده است؛ مانند «عظم رمیم»، «بهشت عدن» و «قرّة العین» تک‌واژه‌های قرآنی نیز در شعر حافظ به وفور دیده می‌شود؛ از جمله «میقات»، «سلسبیل»، «الست» و... بی‌تردید «لطایف حکمی با نکات قرآنی» جایگاه برجسته‌ای در اشعار حافظ دارد. برخی از این نکات قرآنی بسیار آشکار است؛ از جمله:

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند
(۱۳۶۸: ۲۴۸)

که برگرفته از آیه مبارکه ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب/ ۷۲) است. گاه تأثیرپذیری حافظ از حکمت‌های قرآنی به دقت بیشتری نیاز دارد؛ مثل ارثیه بهشت برای مؤمنین در بیت زیر:

حافظا خلد برین خانه موروث من است اندر این منزل ویرانه نشیمن چه کنم
(۱۳۶۸: ۴۶۹)

این بیت متأثر از آیه ذیل است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ، الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (مؤمنون/ ۱).

در این نوشتار کوتاه چند مضمون قرآنی در اشعار حافظ معرفی شده است. ویژگی این مضامین وجود نکات مشترک ظریفی است که از دید شارحان اشعار حافظ به دور مانده است.

۱. خداوند قادر مطلق

سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار در گردشند بر حسب اختیار دوست
(حافظ، ۱۳۶۸: ۸۴)

﴿وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ﴾ (اعراف / ۵۴)؛ (نقل از پرتو علوی، ۱۳۶۹: ۴۸)
سیر سپهر و دور قمر: الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ. در گردشند بر حسب اختیار دوست: مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ.

۲. منزل ماه و خورشید

ماه و خورشید به منزل چو به امر تو رسند یار مه‌روی مرا نیز به من بازسان
(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۲۴)

﴿وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ﴾ (یس / ۳۹)؛ (نقل از زرین کوب، ۱۳۸۷: ۲۱۲)

ماه و خورشید: الْقَمَرُ. به منزل: مَنَازِلَ

۳. مشیت الهی

جام می و خون دل هر یک به کسی دادند در دایره قسمت اوضاع چنین باشد
(حافظ، ۱۳۶۸: ۲۱۷)

﴿وَتُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ (آل عمران / ۲۶)؛ (نقل از سپهر، ۱۳۶۸: ۹۰)

جام می: تُعَزُّ؛ خون دل: تَدَلُّ

به دُرد و صاف تو را حکم نیست، خوش درکش که هرچه ساقی ما کرد عین الطافست
(حافظ، ۱۳۶۸: ۶۳)

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره / ۲۱۶)
دُرد: تَكْرَهُوا؛ صاف: تُحِبُّوا؛ عین الطافست: خَيْرٌ لَّكُمْ.

دلبر آسایش ما مصلحت وقت ندید ورنه از جانب ما دل‌نگرانی دانست
(حافظ، ۱۳۶۸: ۶۸)

از جانب ما دل‌نگرانی دانست: ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (نساء / ۷۸)

۴. شراب‌ریختن حق

آنچه او ریخت به پیمانۀ ما نوشیدیم اگر از خمر بهشتست و گر باده مست
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۹)

﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا﴾ (توبه / ۵۱)؛ (نقل از پرتو علوی، ۱۳۶۹: ۴۷-۴۸)

﴿وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا﴾ (دهر / ۲۱)؛ (نقل از همان: ۴۸)

آنچه او ریخت به پیمانۀ ما: سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ.

۵. حضور همیشگی خداوند

در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست هر جا که هست، پرتو روی حیب هست
(حافظ، ۱۳۶۸: ۸۸)

﴿... فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ...﴾ (بقره/ ۱۱۵)؛ (نقل از دامادی، ۱۳۷۹: ۱۴۳ و پرتو علوی، ۱۳۶۹: ۱۸)
هر جا که هست، پرتو روی حیب هست: ... فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ... .

۶. نزدیکی خداوند به بندگان

بیدلی در همه احوال خدا با او بود او نمی دیدش و از دور خدا را می کرد
(حافظ، ۱۳۶۸: ۱۹۳)

﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ﴾ (حدید/ ۴)؛ (نقل از خطیب رهبر، ۱۳۶۹: ۸۰)
﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق/ ۱۶)؛ (نقل از پرتو علوی، ۱۳۶۹: ۶۲)

﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام/ ۱۰۳)
بی دلی در همه احوال خدا با او بود: وَهُوَ مَعَكُمْ. وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ. او نمی دیدش: لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ.

میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۶۰)

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق، ۱۶)؛ (نقل از پرتو علوی، ۱۳۶۹: ۷۱)

میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست: وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ. تو خود حجاب خودی: مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ

۷. خطر لغزش آدمی

دام سختست مگر یار شود لطف خدا ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم
(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۰۰)

﴿وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (یوسف/ ۵۳)
دام سخت است: وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي. مگر یار شود لطف خدا: إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي.
ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم: ﴿لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (نساء/ ۸۳)

۸. رحمت خداوند

بیا که دوش بمستی سروش عالم غیب نوید داد که عامست فیض رحمت او
(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۵۱)

﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾ (زمر / ۵۳)؛ (نقل از سپهر، ۱۳۶۸: ۲۰۶)

﴿وَرَحْمِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (اعراف / ۱۵۶)

عام است فیض رحمت او: وَرَحْمِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ.

۹. توکل به خداوند

بجان دوست که غم پرده بر شما ندرد گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۳۰)

﴿... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...﴾ (طلاق / ۳)

﴿... فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ...﴾ (آل عمران / ۱۵۹ - ۱۶۰)

به جان دوست که غم پرده بر شما ندرد: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. اگر اعتماد بر الطاف کارساز کنید: فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.

۱۰. گرایش به حق

دامن دوست بدست آرزو دشمن بگسل مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمان
(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۲۷)

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه / ۴۰)

بعید نمی نماید که حافظ در بیت بالا نظری به این آیه داشته است.

دامن دوست به دست آرزو... مرد یزدان شو: إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا. و فارغ گذر از اهرمان: فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ.

۱۱. پیروی از سخن حق

حافظ از خصم خطا گفت نگیریم برو ور به حق گفت، جدل با سخن حق نکنیم
(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۱۵)

﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ، الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ (زمر / ۱۷ - ۱۸)؛ (نقل از سپهر، ۱۳۶۸: ۱۹۴)

ور به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم: **يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.**

۱۲. بخشش و سخاوت

ای نور چشم من سخنی هست گوش کن چون ساغرت پرست بنوشان و نوش کن

(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۴۱)

﴿وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (منافقون / ۱۰)

چون ساغرت پر است: قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ. بنوشان و نوش کن: وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ.

۱۳. روزنامه اعمال

آبی به روزنامه اعمال ما فشان باشد توان سترد حروف گناه ازو

(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۶۲)

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيَةَ﴾ (حاقه / ۱۹)

﴿وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا، أَقْرَبُ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ (اسراء / ۱۳-۱۴)؛ (نقل از دامادی، ۱۳۷۹: ۱۵۵)

﴿فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (فرقان / ۷۰)

توان سترد حروف گناه ازو: يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ.

وحید سبزیان پور*

استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

فریده احمدی**

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

منابع

• قرآن کریم

پرتو علوی، عبدالعلی (۱۳۶۹). بانگ جرس. چاپ چهارم، تهران: خوارزمی.

حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۶۸). دیوان غزلیات. به کوشش خلیل خطیب رهبر. چاپ پنجم، تهران: صفی علیشاه.

----- (۱۳۸۸). دیوان حافظ. براساس نسخهٔ محمد قزوینی و قاسم غنی. چاپ هفتم،

تهران: طلایه.

خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۹). *غزلیات حافظ*. تهران: صفی علیشاه.

دامادی، سید محمد (۱۳۷۹). *مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی*. تهران: دانشگاه تهران.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷). *از کوچۀ زندان*. چاپ هجدهم، تهران: سخن.

سپهر (عرب زاده)، فرشته (۱۳۶۸). *صراحی می ناب*. چاپ اول، تهران: امیر کبیر.

علوی مقدم، محمد، (۱۳۸۹). *بهرهٔ حافظ از آیات قرآن*. حافظ، (۷)، ۶۳-۶۹.